

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ایوان زاخاروف - [Ivan Zakharov](mailto:Ivan.Zakharov)

برگردان از: حمید محوی

۱۰ دسمبر ۲۰۱۴

روسیه به ازای نفت، تنها به صدور کالا به ایران بسنده نمی کند



© Collage: Voix de la Russie مونتاز عکس از صدای روسیه

روز پنجشنبه، رئیس جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین اعلام کرد که روسیه به هیچ عنوان همکاری هایش را با اروپا و ایالات متحده متوقف نخواهد کرد، ولی مناسباتش را با امریکای جنوبی، کشورهای افریقائی و خاور نزدیک گسترش خواهد داد. او در مقابل مجلس فدرال به گسترش حضور روسیه در مناطقی یاد کرد که در آن روند داد و ستد تقویت شده است، «جائی که سیاست و اقتصاد از با یکدیگر ادغام نمی کنند، و به عکس موانع تجاری را برای مبادلات در زمینه فن آوری و مالی از میان بر می دارند تا مردم بتوانند به شکل آزادانه سرمایه گذاری کنند».

رئیس جمهور اعلام کرد که درهای روسیه برای تمام کشورهای جهان برای سرمایه گذاری های خارجی و طرح های مشترک باز است.

تحقق این طرح ها می تواند از سال ۲۰۱۴ آغاز شود. در اینجا به معنای قرارداد با ایران که به نام «نفت به جای کالا» شهرت دارد. رئیس وزارت گسترش مناسبات اقتصادی روسیه آلکسی اولجوکائف Alexei Ouljukaev اعلام کرد که «من هیچ مانعی نمی بینم که اجرای عملی بتواند پیش از پایان سال جاری آغاز شود.» او این موضوع را در سفری که در این هفته به تهران داشت اعلام کرده بود.

به گفته وزیر انرژی الکساندر نوواک Alexandre Novak، وزارتخانه او فهرست کالاهایی که می تواند به ازای نفت به ایران صادر شود تدارک می بیند. نوواک گفت: «شرکت های ما با شرکت های ایرانی فهرست محصولاتی که مبادله خواهند شد را تنظیم می کنند، به انضمام غلات...ولی موضوع تنها به محصولات غذایی خلاصه نمی شود، بلکه ساخت سامانه های الکترونیک نیز در برنامه هست».

اتفاقی نیست که روسیه در فهرست محصولاتی که با نفت مبادله می شود، نه تنها مواد غذایی بلکه ساخت سامانه های انرژی مشترک را نیز در نظر گرفته است. در این سال های گذشته، روسیه نه تنها ساخت مرکز هسته ای بوشهر را به پایان رسانده، بلکه مواد اولیه و همچنین ایزوتوپ هایی را که ایران برای به کار انداختن مرکز هسته ای بدان نیاز دارد را نیز تأمین کرده است.

مفسر شبکه ایرانی به زبان انگلیسی «پرس تی وی» حسن بهشتی پور گفت:

«از دیدگاه من قرارداد «نفت به ازای کالا» به عنوان گشایشی برای گسترش مناسبات اقتصادی روسیه و ایران است. در جمهوری اسلامی با امید به چشم انداز تداوم و گسترش مناسبات اقتصادی با روسیه نگاه می کنند که با سرمایه گذاری موفق در بخش انرژی، هسته ای و غیر هسته ای در ایران، توانست به عنوان یک همکار بازرگانی مسؤول و مطمئن باز شناسی شود.

اقتصاد دو کشور، ایران و روسیه، از پتانسیل جدی برای تحقق موفقیت آمیز مبادلات بازرگانی دو جانبه برخوردار است، به انضمام «نفت به ازای کالا». حالا، این قرارداد باید وارد مرحله عملی گردد. در اینجا باید یا داورشوم که در حال حاضر مجازات هایی که هر دو کشور متحمل شده اند می تواند مانعی در اجرای این طرح باشد. ولی بررسی موشکافانه، محاسبات تمام مخاطرات توسط مقامات مسؤول ایرانی و روسی که به شکل خردمندانه و به موقع انجام گرفت، و در هماهنگی در بالاترین سطوح صورت پذیرفته است. چنین تدارکاتی به آنها اجازه خواهد داد که «مجازات ها» را دور بزنند».

البته، در مناسبات اقتصادی روسیه و ایران که به تازگی شروع شده، مشکلات بسیاری وجود دارد. ولی اگر خواست متقابل و پی گیری وجود داشته باشد، می توانند به حل آن نائل بیایند، به ویژه در حال حاضر که وضعیت خیلی پیچیده ای پیرامون روسیه و به همین گونه ایران تنیده شده است.

مقامات دولتی ایران می گویند که فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی می توانند مبادلات بازرگانی خود را تا ۱۰ برابر و حتی تا ۱۵ میلیارد دالر افزایش دهند. روسیه آماده است به سختی کار کند تا به این سطح از مبادلات برسد.

منبع:

http://french.ruvr.ru/2014_12_05/En-echange-du-petrole-la-Russie-livrera-en-Iran-non-seulement-des-marchandises-3700/

پی نوشت توسط حمید محوی

در گاهنامه هنر و مبارزه

به طوری که مفسر پرس تی وی گفته است «هر دو کشور» زیر فشار مجازات های بین المللی هستند، در واقع چیزی بیشتر از یک بازی زبانی برای طرح مسائل نیست، ولی می توانیم چنین موردی را از او قبول کنیم. ولی در واقع مسأله برسر مناسبات دو کشور نیست. بلکه مسأله به مناسبات بین یک ابر قدرت و یک کشوری است که در چنبره استعمار مضاعفی به سر می برد (استعمار غرب و استعمار هزار و چهار صد ساله دین و فرهنگ عرب یعنی حاکمیت دستگاه

دین اسلام در ایران). یعنی کشوری که با وجود استعمار مضاعف به تنهایی حتی قادر به ساختن یک دوچرخه هم نیست. چنان که می بینیم کشوری که دارای بزرگترین منابع نفتی بود و هست، و دومین ذخیره گاز طبیعی جهان را نیز در اختیار دارد، باید «مواد اولیه» برای مراکز هسته ای اش را از یک کشور دیگر و آن هم نه از هر کشوری بلکه از یک ابر قدرت خریداری و تهیه کند. چنین رابطه ای وابستگی انرژی ایران را دو چندان می کند، از یکسو وابستگی تکنولوژیک و از سوی دیگر وابستگی به مواد اولیه.

البته من قصد ندارم در اینجا وارد بحث مسأله هسته ای ایران شوم، ولی فکر می کنم که ما باید علیه تمام رسانه ها و علیه جمهور اسلامی به انضمام نوکران خانه زاد یعنی اپوزیسیون های پنتاگونی اعلام جرم کنیم که ما را این همه با پرت و پلا گوئی هایشان سردرگم کرده اند، به شکلی که ما اطلاع دقیقی از چگونگی مذاکرات هسته ای نداریم. رسانه ها به قرآن شباهت پیدا کرده و انباشته از آیه های ضد و نقیض است. چرا؟ چون که گروه ها با منافع متنوعی هر یک به سهم خود و به نوعی به تباری ما نیازمند هستند، به هرج و مرج نیازمند هستند، به همین علت، از آخوندی که با عمامه اش مظهر حضور خدا روی زمین و آسمان است تا اپوزیسیون مزدور خائن هر روز حقیقت را ذبح می کنند. بگذریم!

«نفت به ازای کالا» نام بسیار معنی داری به نظر می رسد، عهدنامه های گلستان و ترکمنچای گوئی باید از آرشیوها بیرون آورده شود و نفسی تازه در آن دمیده شود. در عراق نامش بود «نفت به ازای مواد غذایی»، نامی که برای قرارداد با ایران انتخاب کرده اند کمی آبرومندانه تر به نظر می رسد. البته در رسانه های غربی در مورد عراق، نام قرارداد را به شکل تحقیر آمیز تری مطرح می کردند. نفت به ازای خوراکی مثل این که بخواهند به سگ غذا بدهند. در حالی که قیمتی برای نفت این ماده معجزه آسا و واقعاً ستراتیژیک نمی توان تعیین کرد. تمام تمدن غرب روی نفت بنا شده و با اتمام زودآزود نفت این تمدن نیز محکوم به نابودی خواهد بود و بخش عظیمی از جمعیت جهان نیز در فقدان آن از بین خواهند رفت. «نفت به ازای کالا»، منت می گذارند. ایرانی ها باید سانتی متر مکعب نفتی را که در اختیار دارند حساب کنند. ولی چنین نیست، و نخواهد شد. جمهوری اسلامی و دستگاه دین اسلام و طبقه بورژوازی کمپرادور برای ادامه حیاتشان نفت را احتمالاً در اشکال همان امارات اسلامی در عراق و شام به فروش می رسانند (به یک چهارم قیمت بازار) و همواره اگر نه تمام درآمدهای نفتی دست کم بخش عظیمی از آن در همان بانک های غرب باقی خواهد ماند و یا در بهترین حالت تبدیل خواهد شد به کالاهای بنجل و در نتیجه می توانیم به پیامدهای چنین وضعیتی فکر کنیم.